ASRE ADINEH
TWO QUARTERLY
ISSN: 2588 - 3291
Eighteenth year ,no 42
Fall & Winter 2026

A Critical–Comparative Study of Jürgen Moltmann's "Theology of Hope" and the Eschatology of Mahdist Expectation in Shiʿi Theology

Dr. Elaheh Hadian Rasnani [1]

Abstract

This study adopts a critical–comparative approach to examine the relationship between Jürgen Moltmann's theology of hope and the eschatology of "waiting" in Shiʿi theology. The central issue concerns the assessment of the origin of hope, historical agency, and the direction of faith's movement within these two theological frameworks. The research method is based on conceptual–textual analysis and a systematic comparison of primary sources, including Moltmann's major works—Theology of Hope, The Crucified God, The Coming of God, and Ethics of Hope—alongside Qurʾanic, doctrinal, and narrative texts of Imami Shiʿism concerning Mahdism and active waiting. The findings indicate that, in Moltmann's theology, hope functions as a historical and human-driven force that liberates faith from individual passivity and connects it to social action and the pursuit of justice. In this view, God is present within the suffering of history, yet the realization of the Kingdom is largely entrusted to humanity's active participation in shaping the future. In contrast, the eschatology of waiting in Shiʿi theology is grounded in God-centeredness, reliance on revelation, and certainty in divine promise. Waiting is understood not as a passive state but as a conscious and faith-inspired activity rooted in trust in divine norms and traditions. Accordingly, while Moltmann interprets hope as a movement from below to above—from humanity toward God—the Shiʿi eschatology of waiting conceptualizes the process from above to below, from divine promise toward historical realization. The study concludes that Shiʿi waiting, grounded in God-centeredness and revelatory certainty, offers a more comprehensive and profound framework than Moltmann's theology of hope and may be understood as a form of "divine theology of hope" in contrast to a predominantly "human-centered theology of hope." The originality of this article lies in moving beyond convergent comparison toward a foundational analysis of epistemological, anthropological, and teleological differences between the two systems, thereby formulating two distinct models of religious hope.

Keywords: Theology of hope, Jürgen Moltmann, eschatology, Mahdism, active waiting; Shiʿi theology, divine norms

1. Associate Professor, Department of Qur'an, University of Qur'an and Hadith, Tehran, Iran(hadian.e@hadith.ir)

عصر آدینه
دوفصل‌نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر موعود
سال هجدهم - شماره چهل و دوم
پائیز و زمستان ۱۴۰۴
ISSN:2588-3291

مقایسه انتقادی ـ تطبیقی «الهیات امید» یورگن مولتمان و «فرجام‌شناسیِ انتظار مهدوی» در الهیات شیعی*

الهه هادیان رسانی[۱]

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد مقایسه انتقادی ـ تطبیقی به تبیین نسبت میان الهیات امیدِ یورگن مولتمان و «فرجام‌شناسی انتظار» در الهیات شیعی می‌پردازد. مسئله اصلی، سنجش خاستگاه امید، فاعلیت تاریخی، و جهتِ حرکت ایمان در دو منظومه فکری است. روش تحقیق، تحلیل مفهومی ـ متنی و مقایسه نظام‌مند منابع دستِ‌اول آثار مولتمان[۲] با متون قرآنی، اعتقادی و روایی امامیه درباره مهدویت و انتظارِ فعال است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در الهیات مولتمان، امید نیرویی تاریخی و انسانی است که ایمان را از سکون فردی رها کرده و به کنش اجتماعی و عدالت‌طلبی پیوند می‌زند. خدا در این دیدگاه در رنج تاریخ حاضر است، اما تحقق ملکوت به مشارکت فعال انسان در ساخت آینده واگذار می‌شود. در مقابل، فرجام‌شناسی انتظار در الهیات شیعی بر خدامحوری، وحی‌باوری و یقین به وعده الهی استوار است؛ انتظاری که نه حالت انفعالی بلکه فعالیتی آگاهانه و الهام‌یافته از ایمان به سنت‌های خداوند به‌شمار می‌رود. بر این اساس، در حالی که مولتمان امید را از پایین به بالا و از انسان به‌سوی خدا تفسیر می‌کند، فرجام‌شناسی انتظار در الهیات شیعی مسیر را از بالا به پایین و از وعده الهی به سوی تحقق در تاریخ ترسیم می‌نماید. نتیجه نهایی آن است که انتظار شیعی، با تکیه بر خدامحوری و وحی‌باوری، جامع‌تر و ژرف‌تر از الهیات امید مولتمان است و می‌تواند به‌مثابه «الهیات امید الهی» در برابر «الهیات امید انسانی» بازشناخته شود. نوآوری مقاله، عبور از تطبیقِ هم‌گرایانه به سنجشِ مبنایی تفاوت‌های معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و غایت‌شناختیِ دو دستگاه فکری و صورت‌بندی دو الگوی متمایز از «امید دینی» است. نتیجه آن‌که هرچند هر دو افق، امید را به کنش پیوند می‌زنند؛ اما منشأ، فاعل و مسیر تحقق نجات در آن‌ها متفاوت است.

---

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶//۱۸

۱. دانشیار گروه قرآن دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران(hadian.e@hadith.ir).

2 . Theology of Hope, The Crucified God, The Coming of God, Ethics of Hope.

واژگان کلیدی
الهیات امید، یورگن مولتمان، فرجام‌شناسی، مهدویت، انتظارِ فعال، الهیات شیعی، سنن الهی.

مقدمه

در تـاریخ اندیشـه دینـی، مسـئله «امیـد بـه آینـده» و «انتظـار نجـات» از بنیـادی‌ترین دغدغه‌های الهیـات به‌شـمار می‌آیـد. هـر دو مفهـوم، پاسـخی الهیـاتی بـه رنـج، بحـران و پرسش از معنای تاریخ‌اند و در بطن خود به جست‌وجوی «غایت انسـان» و «تحقق وعـده الهی» گره می‌خورند.

در الهیـات مسـیحی معاصـر، یـورگن مولتمـان بـا طـرح نظریـه مشـهور «الهیـات امیـد» کوشـید ایمـان را از سـکون تـاریخی و فردگرایـی برهانـد و آن را بـه نیرویـی بـرای دگرگـونی اجتماعی و اخلاقی بدل سازد. او این الهیـات را در فضـای پس از جنگ جهـانی دوم، در واکنش به یأس تمدنی و بحران معنای رستگاری در غرب بنیان نهاد و با الهـام از اندیشه ارنسـت بلـوخ، نگـاه را از «گذشـته صـلیب» بـه «آینـده ملکـوت» و تحقـق عـدالت در مـتن تاریخ معطوف کـرد. (Moltmann, 1967, p. 16 ; Bloch, 1959, Vol. 1, p. 137) مولتمـان در آغـاز کتـاب Theology of Hope بـر ایـن نکتـه تأکیـد می‌کنـد کـه ماهیـت مسیحیت، در همه ابعاد خود، اسخاتولوژیک و مبتنی بر امید است؛ بدین معنا که ایمـان مسـیحی از آغـاز تـا انجـام بـه آینـده نظـر دارد، رو بـه سـوی آن حرکـت می‌کنـد و از همـین رهگـذر، زنـدگی و واقعیـت کنـونی را دگرگـون می‌سـازد.(Moltmann, 1967, p. 16) اصطلاح اسخاتولوژی[1] در الهیات به‌معنای شـناختِ امور نهـایی و غـایی انسـان و جهـان اسـت (آشـوری، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۸)؛ شـاخه‌ای از الهیـات کـه بـه موضـوعاتی چـون پایـان جهـان، بازگشـت مسـیح، رسـتاخیز و داوری نهـایی می‌پـردازد. در همـین چـارچوب، مولتمان «امید» را صورت‌بندی تازه‌ای از فرجام‌شناسی مسیحی می‌داند و تحقق ملکوت را به کنش تاریخی و عدالت‌خواهانه انسان پیوند می‌زند.

در نقطه مقابل، در الهیات شیعی، «انتظار» جوهره فرجام‌شناسی امامی است؛ نظـامی کـه بـر وعـده قطعـی الهـی در تحقـق عـدالت جهـانی، اسـتمرار هـدایت در عصـر غیبـت و نقش فعال انسان مؤمن در مسیر تحقق سنت‌های الهی استوار است. آیات متعددی از

1 . Eschatology

قرآن کریم، از جمله ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا...﴾ (قصص: ۵)، ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور: ۵۵)، و ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (أنبیاء: ۱۰۵) افق قرآنیِ این فرجام‌شناسی وعده‌محور را ترسیم می‌کنند.

در منابع روایی امامیه، از *الغیبة* نعمانی و طوسی تا *بحارالأنوار* مجلسی، بر «انتظارِ فعال» و نفی انفعال تأکید شده است. بدین‌سان، انتظار نه صرفاً حالت روانی، بلکه نوعی زیست مؤمنانه در جهت تحقق وعده الهی تلقی می‌شود.

هر دو نظام ـ الهیات امیدِ مولتمان و اسخاتولوژیِ انتظارِ شیعی ـ در اصلِ آینده‌محوری و پویایی ایمان اشتراک دارند، اما در بنیان متافیزیکی و جهت حرکت تفاوتی بنیادین میان آن‌هاست: در الهیات مولتمان، امید از پائین به بالا و از دل تاریخ انسان به‌سوی خدا جریان می‌یابد؛ در حالی‌که در الهیات انتظار شیعی، وعده الهی از بالا به پائین بر تاریخ تجلی می‌کند و انسان در مدار مشیت الهی به کنش فراخوانده می‌شود.(Moltmann, 1974, pp. 128–130; 1967, p. 16)

بر این اساس، پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

امید در الهیات مولتمان چه نسبتی با تاریخ و کنش انسانی دارد و چگونه در چارچوب «آینده خدا» و تحقق وعده نجات صورت‌بندی می‌شود؟

انتظار در الهیات شیعی چگونه در بستر «سنن الهی» و بر پایه وعده استخلاف و وراثتِ مؤمنان تفسیر می‌گردد و به‌جای انفعال، بر کنش فعال و خدامحور تأکید می‌کند؟

غایت نهایی و تصویر رستگاری در هر یک از این دو نظام چگونه ترسیم می‌شود و در کدام‌یک از آن‌ها، خطراتی چون «سکولاریزاسیونِ امید» یا «انفعال دینی» پررنگ‌تر است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

امید در الهیات مولتمان مبتنی بر تجربه تاریخیِ رستاخیز و مشارکت انسان در تاریخ است و به‌تدریج از وعده الهی به پروژه‌ای انسانی نزدیک می‌شود.

انتظار در الهیات شیعی، بر وحی و سنت‌های الهی تکیه دارد و کنش انسان را در مدار اراده و مشیت الهی معنا می‌کند.

بدین‌سان، می‌توان گفت الهیات امیدِ مولتمان نماینده نوعی « فرجام‌شناسی تاریخی» است، در حالی‌که الهیات انتظار شیعی بر «فرجام‌شناسی وعده‌محور» استوار

است؛ دو چشم‌انداز متمایز از امید دینی که یکی از تاریخ به‌سوی خدا می‌رود و دیگری از خدا به‌سوی تاریخ.

روش این پژوهش، تحلیلی ـ تطبیقی و مبتنی بر تحلیل مفهومی در چارچوب منابع اسنادی است. داده‌های پژوهش بر دو دسته منابع اصلی استوار است: نخست، آثار یورگن مولتمان، از جمله Theology of Hope (1967)، The Crucified God (1974)، The Coming of God (1996)، و Ethics of Hope (2012)؛ و دوم، متون الهیات شیعی شامل آیات قرآن کریم و روایات امامیه که بیانگر فرجام‌شناسی وعده‌محور و مفهوم «انتظار فعال» هستند. تحلیل تطبیقی میان این دو منظومه، بر مبنای استخراج مفاهیم کلیدی، بررسی بنیان‌های معرفت‌شناختی و غایت‌شناختی، و تبیین تفاوت در مبادی و جهت حرکت ایمان سامان یافته است.

پیشینه پژوهش

الهیات امید یورگن مولتمان از دهه ۱۹۶۰ میلادی به یکی از پرنفوذترین جریان‌های الهیاتی در مسیحیت پروتستان تبدیل شد و تاکنون در آثار متعددی در سنت غربی و نیز در فضای فکری ایران بررسی شده است. در ایران، گرچه در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی درباره الهیات امیدِ مولتمان انجام شده و برخی از آن‌ها کوشیده‌اند میان الهیات امید و آموزه مهدویت در الهیات شیعی نوعی سنجش تطبیقی برقرار کنند، اما بیشتر این تحقیقات رویکردی توصیفی و هم‌گرایانه دارند و بر اشتراکاتی چون عدالت جهانی و امید به آینده تمرکز یافته‌اند، نه بر تحلیل انتقادیِ تفاوت‌های مبنایی و ساختاری میان دو منظومه الهیاتی.

در میان مطالعات فارسی، مقاله مفتاح، طالبی‌دارابی، صادق‌نیا و شهرزاد (۱۳۹۹) با عنوان «تحلیل و بررسی امکان کاربست الهیات امیدِ مولتمان در آموزه مهدویت شیعی» تلاشی نسبتاً نظام‌مند برای برقراری ارتباط میان این دو حوزه به‌شمار می‌آید، اما رویکرد آن هم‌گرایانه است و بیشتر بر امکان تلفیق یا اقتباس مفهومی تمرکز دارد تا بر تحلیل تفاوت‌های مبنایی. در مقابل، مقالاتی چون رسولی‌پور و سرایلو (۱۳۹۸) در «نقد و تحلیل الهیات امید یورگن مولتمان» و مهدور و بیات (۱۴۰۰) در «ارزیابی فرجام‌شناسی مولتمان در الهیات مسیحی»، گرچه درون‌مایه‌ای انتقادی دارند، نقدشان در محدوده

سنت مسیحی باقی می‌ماند. همچنین، خشک‌جان (۱۳۹۷) در مقاله «رنج قدسی و تحول اجتماعی در الهیات سیاسی مولتمان» بُعد اجتماعی و رهایی‌بخش الهیات امید را بررسی کرده است، اما حوزه بحث او شامل تطبیق با فرجام‌شناسی اسلامی نمی‌شود.

در مطالعات غربی نیز، آثاری مانند پایان‌نامه ایمانوئل کوکس Unveiling (2015) Hope for Broken Humanity و رساله دانشگاه منچستر A Critical and (2019) Comparative Analysis of Jürgen Moltmann's Theology of Hope and Eschatology به تحلیل درونی نظام فکری مولتمان پرداخته‌اند؛ کوکس پیوند الهیات امید با تثلیث و رنج خدا را بررسی کرده و رساله منچستر تأثیر اندیشه ارنست بلوخ را بر فلسفه تاریخ و الهیات رهایی‌بخش او نشان داده است. همچنین، آثار کلاسیکی چون Neal (2009) Theology as Hope و Meeks (1974) Origins of the Theology of Hope پیامدهای اجتماعی و اخلاقی الهیات امید را تبیین کرده‌اند.

با این حال، بیشتر این پژوهش‌ها ـ چه در فضای فارسی و چه در مطالعات غربی ـ در چارچوب الهیات مسیحی باقی مانده و با رویکردی هم‌گرایانه و تطبیقیِ محدود به بررسی شباهت‌ها پرداخته‌اند، نه به مقایسه‌ای انتقادی و مبنایی میان «الهیات امید» و «انتظار در الهیات شیعی». در نتیجه، تاکنون پژوهش شناخته‌شده‌ای که به‌طور نظام‌مند تفاوت‌های معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و غایت‌شناختی این دو منظومه را در سطح مبانی و اهداف نجات تحلیل کرده باشد، در دست نیست.

پژوهش حاضر با عنوان مقایسه انتقادی ـ تطبیقی الهیات امید یورگن مولتمان و فرجام‌شناسی انتظار در الهیات شیعی در سه جهت نوآوری دارد:

۱. عبور از تطبیق هم‌گرا به مقایسه انتقادی: برخلاف مطالعات پیشین که بر اشتراکاتی چون «امید به آینده» یا «عدالت جهانی» تأکید داشتند، این پژوهش به بررسی تفاوت‌های ساختاری در مبانی الهیاتی دو سنت می‌پردازد؛ از جمله نقش انسان در تحقق وعده الهی، و چیستی رستگاری در دو نظام دینی.

۲. تحلیل تطبیقی دو نظام فرجام‌شناسی ناهم‌ریشه: در حالی که امید مولتمان در بستر فلسفه تاریخ غرب و با تکیه بر رستاخیز مسیح فهمیده می‌شود، انتظار در الهیات شیعی ریشه در وعده قطعی الهی و استمرار ولایت و امامت دارد. این مقایسه، امکان بررسی دو گونه «امید دینی» ـ یکی انسان‌محور و تاریخی، دیگری الهی و غایت‌محور ـ را فراهم می‌کند.

۳. ایجاد گفت‌وگوی بین‌الهیاتی میان دو سنت بزرگ: پژوهش حاضر نخستین مطالعه نظام‌مند در زبان فارسی است که الهیات امید مولتمان را در نسبت با فرجام‌شناسی انتظار شیعی به شیوه‌ای تحلیلی و انتقادی می‌سنجد. این رویکرد، علاوه بر روشن‌سازی تفاوت‌های مبنایی، ظرفیت‌های گفت‌وگو میان دو سنت الهیاتی را برای فهم عمیق‌تر مفهوم «امید نجات‌بخش» در جهان معاصر آشکار می‌سازد.

فرجام‌شناسی مسیحی و مهدویت شیعی؛ دو الگوی متفاوت از امید و رهایی

واژه «اسخاتولوژی» (Eschatology) از دو ریشه یونانی eschatosبه‌معنای «آخر» و logosبه‌معنای «شناخت» گرفته شده است و در اصطلاح الهیاتی، به معنای «فرجام‌شناسی»، «شناختِ امور نهایی» یا «آموزه پایان‌شناسی» به‌کار می‌رود. این اصطلاح در الهیات مسیحی، شاخه‌ای از دانش دینی است که به موضوعات مربوط به پایان جهان، بازگشت دوم مسیح، رستاخیز مردگان و داوری نهایی می‌پردازد (Moltmann, 1996, pp. 13–22؛Cullmann, 1964, pp. 84–92). در واقع، اسخاتولوژی بیانگر امید نهایی مؤمنان به تحقق ملکوت خدا بر زمین است؛ امیدی که در بطن رنج و تاریخ بشر معنا می‌یابد (Moltmann, 1967, pp. 15–17؛ Bauckham, 1995, p. 104).

در مقابل، در الهیات شیعی، مفهوم «مهدویت» جایگاهی همانند اسخاتولوژی مسیحی دارد، اما با مبانی معرفت‌شناختی و متافیزیکی متفاوت. مهدویت، ایمان به وعده الهیِ استخلاف و وراثت صالحان است؛ وعده‌ای که در قرآن با تعبیرهایی چون ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا...﴾ (قصص: ۵) و ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (أنبیاء: ۱۰۵) تکرار شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص. ۵۰). بر اساس این نگرش، تاریخ بشر صحنه تحقق سنت‌های الهی است، و ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مظهر نهایی این تحقق خواهد بود. بنابراین، اگر فرجام‌شناسی در مسیحیت بر «بازگشت مسیح» و داوری نهایی تکیه دارد، مهدویت در شیعه بر «ظهور موعود» و تحقق حکومت عدل جهانی بنا شده است.

تفاوت بنیادین این دو نظام الهیاتی را می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد:

نخست آن‌که، در مبنای معرفت‌شناختی، اسخاتولوژی بر تجربه تاریخیِ رستاخیز

مسیح و ایمان به آینده خدا استوار است (Moltmann, 1967, pp. 16–17؛ Bloch, 1959, pp. 3–8)، در حالی که مهدویت، بر نصوص وحیانی و استمرار هدایت الهی در قالب امامت تکیه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷). از این رو، مسیحیت رویکردی تجربه‌محور دارد و شیعه رویکردی وحی‌محور.

دوم، در نسبت تاریخ و نجات، الهیات مسیحی، تاریخ را عرصه مشارکت انسان در آمدن ملکوت می‌بیند؛ چنان‌که مولتمان، آن را «پراکسیس امید» می‌نامد (Moltmann, 1996, p. 18؛Bauckham, 1995, p. 105). اما در الهیات شیعی، تاریخ بستر تحقق اراده الهی است؛ انسان مأمور به اصلاح و زمینه‌سازی است، نه سازنده نجات. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، منتظر حقیقی کسی است که در مدار سنن الهی عمل کند، نه در مدار آرزوهای بشری. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص. ۷۶)

سوم، در غایت نهایی، هر دو به آینده‌ای نجات‌بخش می‌اندیشند، اما در در الهیات مسیحی، ملکوت خدا از درون تاریخ انسانی به‌واسطه مشارکت اخلاقی و اجتماعی بشر تفسیر می‌شود (Pannenberg, 1998, pp. 533–540؛Moltmann, 1967, p. 329)؛ در حالی که در شیعه، تحقق عدل جهانی امری الهی و مبتنی بر اراده و وعده خداوند است. بر اساس روایات، «انتظار فرج» نه حالت انفعال، بلکه عبادتی آگاهانه و نشانه ایمان راستین در عصر غیبت است. منتظرِ حقیقی، با ورع، عفّت و صلاح، در مدار سنن الهی عمل می‌کند و رضایت به تقدیر الهی را عین بندگی می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۱۲۲). از این رو، اگر فرجام‌شناسی مسیحی را بتوان «امید تاریخی» نامید، مهدویت شیعی را باید «امید الهی و وعده‌محور» دانست؛ امیدی که از اراده و وعده خداوند نشأت می‌گیرد و کنش انسانی را در مسیر تحقق آن سامان می‌دهد، نه آن‌که آن را جایگزین اراده الهی سازد.

به این ترتیب، اسخاتولوژی مسیحی و مهدویت شیعی، هر دو تلاشی برای معنا بخشیدن به رنج و بحران تاریخ بشرند. اما تفاوت در خاستگاه و جهت حرکت ایمان است: در مسیحیت، حرکت از پایین به بالا، از انسان به‌سوی خدا و ملکوت است (Moltmann, 1974, p. 243)؛ در شیعه، حرکت از بالا به پایین، از وعده الهی به‌سوی تحقق آن در تاریخ. الهیات مسیحی به امید تاریخیِ بشر می‌نگرد، در حالی که مهدویت، تجلی امید الهی در سیر تاریخ است.

محور مقایسه	فرجام‌شناسی امید در الهیات مسیحی	مهدویت و انتظار در الهیات شیعی	توضیح تکمیلی
۱. محور اصلی ایمان	بازگشت دوم مسیح (Second Coming of Christ)، رستاخیز و داوری نهایی	ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به‌عنوان حجت الهی و تحقق حکومت عدل جهانی	در مسیحیت، بازگشت مسیح؛ در شیعه، ظهور موعود از نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله
۲. فاعل نجات	مسیح مصلوب و رستاخیزیافته؛ خدا از طریق پسر نجات را می‌آورد	خداوند از طریق امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و استمرار ولایت، نجات را محقق می‌کند	فاعل در هر دو الهی است، اما در شیعه با «ولایت مستمر» پیوند دارد
۳. نسبت تاریخ و نجات	تاریخ میدان مشارکت انسان در آمدن ملکوت خداست (در مولتمان: امید تاریخی)	تاریخ صحنه تحقق سنن الهی است؛ و انسان منتظر عامل و زمینه‌ساز تحقق وعده الهی است (انتظار فعال)	هر دو نگاه فعال به تاریخ دارند، اما در مبنا متفاوت‌اند
۴. مبنای معرفت‌شناختی	تجربه تاریخیِ رستاخیز و ایمان به آینده خدا	نصوص وحیانی قرآن و روایات معصومان درباره وعده استخلاف و ظهور	در مسیحیت تجربه‌محور؛ در شیعه وحی‌محور
۵. غایت و پایان تاریخ	ملکوت خدا بر زمین، داوری نهایی، نجات مؤمنان	برپایی حکومت عدل جهانی به‌دست مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، سپس قیامت کبری	هر دو آینده را «الهی» می‌دانند ولی مسیر تبیین متفاوت است
۶. نقش انسان	مشارکت‌کننده در ساخت آینده ملکوت (انسان‌محوری اخلاقی)	زمینه‌ساز تحقق وعده الهی از طریق ایمان، اصلاح و جهاد (خدامحوری عملی)	هر دو بر کنش تأکید دارند، جهت متفاوت است: انسان ← خدا / خدا ← انسان
۷. خطر انحراف	سکولاریزاسیون امید: فروکاست نجات به پروژه انسانی	انفعال و تقدیرگرایی منفعلانه در انتظار	هر دو هشدار داده‌اند که امید بدون عمل یا بدون ایمان، ناقص است
۸. نوع امید	امید تاریخی و اخلاقی	امید الهی و وعده‌محور	تفاوت بنیادین در خاستگاه و غایت امید

محور مقایسه	فرجام‌شناسی امید در الهیات مسیحی	مهدویت و انتظار در الهیات شیعی	توضیح تکمیلی
۹. جهت حرکت ایمان	از پایین به بالا: انسان به‌سوی خدا و ملکوت	از بالا به پایین: وعده خدا در تاریخ تحقق می‌یابد	مولتمان از انسان به خدا؛ شیعه از خدا به انسان

الهیات امیدِ مولتمان

۱. مبانی فلسفی و الهیاتی

الهیات امیدِ یورگن مولتمان واکنشی ژرف به الهیات یأس در قرن بیستم است؛ او که ویرانی‌های جنگ جهانی دوم را تجربه کرده بود، کوشید ایمان مسیحی را در دلِ بحران معنا بازخوانی کند. مولتمان در آغاز Theology of Hope می‌نویسد: «از آغاز تا انجام، مسیحیت اسخاتولوژی است؛ امید است؛ رو به آینده می‌نگرد و رو به آینده حرکت می‌کند... رستاخیز مسیح پایان نیست، بلکه آغازِ آینده مسیح است» (Moltmann, 1967, pp. 16–17). بدین‌سان، فرجام‌شناسی نه فصل پایانی، که صورت‌بندی بنیادینِ کل الهیات تلقی می‌شود (Moltmann, 1967, pp. 15–19).

در این چارچوب، امید حالت روانی نیست، بلکه ساختار وجودی ایمان است که امکان زیستِ ایمانی را در جهانِ رنج تضمین می‌کند. الهام فلسفی این نگرش از ارنست بلوخ است؛ همان گزاره مشهور که «آفرینشِ حقیقی در آغاز نیست، در پایان است» (Bloch, 1959, Vol. 1, p. 137). مولتمان این ایده را الهیاتی کرده و نتیجه می‌گیرد آفرینش هنوز کامل نشده و مؤمنان در تاریخ «شریکِ خدا» در تداومِ آفرینش و نجات‌اند (Moltmann, 1967, p. 199). این منطق در Ethics of Hope نیز پی گرفته می‌شودکه امید، انتظارِ منفعل نیست؛ مشارکتِ خلاق در آمدنِ خداست (Moltmann, 2012, p. 34). بنابراین، ایمان، کنش است و امید، نیروی اخلاقیِ دگرگونی ساختارهای ظالمانه (Moltmann, 2012, pp. 74–78).

از منظر هستی‌شناختی، سه محورْ شالوده این الهیات‌اند: ۱. فرجام‌شناسی بنیادین که افق آینده را می‌گشاید؛ ۲. تاریخ به‌مثابه عرصه مشارکت انسان در تحقق ملکوت؛ ۳. انسانِ مسئول به‌عنوان فاعل در فرایند نجات تاریخی (Moltmann, 1967, pp. 15–19).

۲. خدا، انسان و آینده

مولتمان در The Crucified God رابطه خدا ـ انسان را از خلال «رنجِ خدا» این‌گونه صورت‌بندی می‌کند: خدا خود با جهان رنج می‌کشد؛ صلیب، تنها رنجِ پسر نیست، بلکه رنجِ پدر در مرگِ پسر است (Moltmann, 1974, pp. 243, 245; cf. pp. 128–130). بدین‌رو، امید نه وعده‌ای بیرون از تاریخ، بلکه «حضورِ خدا در آینده تاریخ» است. در The Coming of God معتقد است که آمدنِ خدا یعنی ورودِ آینده او به اکنون؛ این پایانِ زمان نیست، آغازِ زمانِ راستین است.(Moltmann, 1996, p. 26) چنین قرائتی ملکوت را امرِ درون‌تاریخی و آغازشده می‌بیند و امید را به نیرویی برای ساختن تاریخ بدل می‌کند (Moltmann, 2012, pp. 45–69).

برآیندِ دستگاه مولتمان چنین است: امید، گذشته صلیب را به آینده ملکوت پیوند می‌زند و از دل تاریخ به‌سوی رهایی می‌نگرد. با این همه، مرکز ثقلِ تحقق در این الگو عمدتاً انسانی ـ تاریخی می‌ماند: خدا «در رنجِ تاریخ» حاضر است، اما تحققِ نشانه‌های ملکوت به مشارکتِ خلاقِ انسان گره می‌خورد (Moltmann, 1967, pp. 16–19; 2012, p. 34). از این منظر، تفاوت با الهیات انتظارِ شیعی در «جهت حرکت» آشکار می‌شود: در این‌جا حرکت از انسان به‌سوی خداست، حال آن‌که در الگوی شیعی، حرکت از خدا و وعده به‌سوی تاریخ و انسان ترسیم می‌گردد.

۳. ارزیابی انتقادی

الهیات امیدِ یورگن مولتمان را می‌توان کوششی نظام‌مند برای بازسازی ایمان مسیحی در برابر بحران یأس و بی‌معنایی قرن بیستم دانست؛ الهیاتی که در واکنش به تجربه‌ی جنگ، رنج و مرگِ خدا در تاریخ، امید را به مثابه نیرویی زنده در درون تاریخ بشر بازتعریف می‌کند. با وجود ارزش‌های بنیادین آن، این منظومه هم‌زمان واجد نقاط قوت و کاستی‌هایی است که از حیث تطبیقی با فرجام‌شناسی انتظار در الهیات شیعی قابل تحلیل است.

الف) دستاوردها

احیای پویایی ایمان و پیوند آن با تاریخ. مولتمان با تأکید بر این‌که «مسیحیت از آغاز تا انجام فرجام‌شناسی است» (Moltmann, 1967, pp. 15–19)، ایمان را از حالت

ایستا و فردی خارج کرد و آن را در افق تاریخ و اجتماع بازنشاند. در نتیجه، امید مسیحی از یک حالت روانی و ذهنی به نیرویی تاریخی و اجتماعی برای تغییر بدل می‌شود. این دگرگونی، به‌ویژه در عصر سکولار، الهیات را به عرصه‌ی کنش جمعی و عدالت‌خواهانه پیوند می‌دهد.

پاسخ الهیاتی به مسئله‌ی رنج انسان مدرن. مولتمان در The Crucified God می‌کوشد رنج انسان را در متن الهیات مسیحی بازخوانی کند. او با طرح مفهوم «خدای رنج‌بر» می‌نویسد: «صلیب، نه تنها رنج پسر، بلکه رنج پدر در مرگ پسر است» (Moltmann, 1974, p. 243؛ cf. pp. 128–130). بدین‌ترتیب، خدا از فراز تاریخِ بشر غایب نیست، بلکه در دل رنج و شکست‌های انسانی حاضر است. این تلقی، تجربه‌ی الهی را از سطح آسمانی به سطح تاریخ زمینی پیوند می‌دهد و ایمان را به نیرویی برای مقاومت و امید بدل می‌سازد.

تلفیق الهیات و اخلاق در قالب «پراکسیس امید». در Ethics of Hope، مولتمان می‌گوید: «امید، انتظارِ منفعل نیست؛ مشارکت خلاق در آمدن خداست» (Moltmann, 2012, p. 34). از این منظر، امیدِ دینی، کنشی فعال و اخلاقی است که می‌کوشد نشانه‌های ملکوت را در همین جهان محقق سازد. بدین‌سان، الهیات امید از نظر کارکرد، نه صرفاً آموزه‌ای نظری، بلکه نیرویی اخلاقی ـ تاریخی است برای دگرگونی ساختارهای ستم و بی‌عدالتی (Moltmann, 2012, pp. 74–78).

ب) چالش‌ها و نقدها

با وجود این دستاوردها، نظام فکری مولتمان از سوی الهی‌دانان معاصر با نقدهایی جدی مواجه شده است.

برخی مفسران، چون ریچارد باکهم، نسبت به آنچه مشارکت تاریخی انسان در تحقق ملکوت خواندنِ افراطی امید در الهیات مولتمان می‌نامند، هشدار داده‌اند. او در تحلیل خود از مولتمان یادآور می‌شود که تأکید بر مشارکت فعال انسان در تحقق ملکوت، هرچند به پویایی ایمان می‌انجامد، اما ممکن است مرز میان وعده الهی و پروژه انسانی را باریک سازد و بدین‌سان زمینه نوعی انسان‌محوری تاریخی را فراهم آورد (Bauckham, 1995, pp. 78–81; Tesija, 2014, pp. 12–14).

در این نگرش، امید از ساحت «وعده‌ی الهی» به سطح «پروژه‌ی انسانی» نزدیک

می‌شود و خطر سکولاریزاسیونِ مفهوم نجات را در پی دارد. در واقع، اگر در الهیات سنتی، تحقق نجات، فعل خداوند است، در منظومه‌ی مولتمان، نجات نتیجه‌ی کنش انسان در تاریخ تلقی می‌شود؛ بدین معنا که خداوند در تاریخ انسان مشارکت می‌کند، نه انسان در طرح ازلی خدا.(Bauckham, 1995, p. 81)

افزون بر این، مرز معرفت‌شناختی میان «وحی» و «تجربه‌ی تاریخی» در اندیشه مولتمان چندان روشن نیست. او در The Coming of God معتقد است که آمدنِ خدا یعنی ورودِ آینده‌ی او به اکنون؛ این پایان زمان نیست، آغاز زمان راستین است (Moltmann, 1996, p. 23).اما از منظر الهیات وحیانی، این بیان به‌روشنی تعیین نمی‌کند که آیا این «آینده‌ی خدا» بر پایه‌ی وحی الهی تحقق می‌یابد یا محصول حرکت درونی تاریخ بشر است. همین ابهام معرفت‌شناختی، سبب شده برخی مفسران، از جمله باکهم، آن را نوعی «فرجام‌شناسی تاریخیِ انسان‌محور» بنامند که میان وحی و تاریخ تمایز قاطع ندارد(Bauckham, 1995, pp. 80–81) .

در جمع‌بندی می‌توان گفت الهیات امید، هرچند از حیث غایت‌شناختی، خدامحور است و تحقق ملکوت را به «آینده‌ی خدا» نسبت می‌دهد (Moltmann, 1996, p. 23)، اما اما در فرآیند تحقق، انسان‌محور است و از حیث سازوکار تحقق، بیش از آن‌که بر فاعلیت مستقیم الهی تکیه کند، بر مشارکت تاریخی و اجتماعی انسان اتکا دارد. امید در این منظومه، نیرویی است که از درون تاریخ می‌جوشد و مسیر آن از پائین به بالا، از انسان به سوی خدا امتداد می‌یابد. به تعبیر دیگر، مولتمان در سطح غایت، خدا را منشأ و مقصد تاریخ می‌داند، اما در سطح فرایند، انسان را شریکِ فعالِ خدا در ساختن آینده معرفی می‌کند؛ از این رو، نجات در الهیات امید نه فروفرستاده از بالا، بلکه برآمده از دل تاریخ بشر است .(Moltmann, 1967, pp. 15–19) به تعبیر باکهم، «مولتمان الهیاتی خدااندیش عرضه می‌کند، اما افق آن چنان به سوی تاریخ گشوده است که خدا در رنج بشر شناخته می‌شود، نه بشر در طرح جاودانه‌ی خدا».(Bauckham, 1995, p. 81)

از این رو، هرچند الهیات امید به‌درستی ایمان را پویا و اجتماعی می‌سازد و میان ایمان، اخلاق و تاریخ پیوندی تازه برقرار می‌کند، اما در مقایسه با الهیات انتظار شیعی، در معرض خطر فروکاست امر قدسی به سطح تاریخ و اخلاق انسانی قرار دارد. در الهیات انتظار، حرکت از خدا به‌سوی تاریخ است و وعده‌ی نجات بر محور سنت‌های

الهی و اراده‌ی مطلق خداوند استوار می‌ماند؛ در حالی‌که در نظام مولتمان، مسیر از انسان آغاز می‌شود و به خدا ختم می‌گردد.

فرجام‌شناسیِ «انتظار» در الهیات شیعی: امیدِ وعده‌محور و کنشِ خدامحور

در تقابل تحلیلی با «الهیات امید» یورگن مولتمان، فرجام‌شناسیِ انتظار در الهیات شیعی نیز دیدگاهی فعال و تاریخ‌ساز دارد، اما تفاوت در مبنا و جهت حرکت است: در حالی که در الهیات امیدِ مولتمان، امید از درون تاریخ و به‌عنوان نیرویی انسان‌محور و اجتماعی برمی‌خیزد، در الهیات انتظارِ شیعی، حرکت تاریخ در پرتوِ سنن الهی و با محوریتِ وعده الهی و رهبری امام معصوم تفسیر می‌شود. بدین‌سان، انتظار نه انفعال، بلکه مشارکت آگاهانه در تحقق وعده خداوند است.

مبنای قرآنی این نگرش، آینده‌ای است که از بالا به پائین می‌آید و تاریخ، صحنه‌ی تحقق اراده‌ی الهی است؛ انسان در این میان مشارکت‌کننده در طرح خداوند و مخاطبِ تکلیف الهی است. به بیان دیگر، وعده استخلاف، وراثت صالحان و نجات مستضعفان در بستر تاریخ تحقق می‌یابد، اما فاعل حقیقی آن خداوند است و انسان در مدار مشیت او به کنش فراخوانده می‌شود. چنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)، ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور: ۵۵)، ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (أنبیاء: ۱۰۵).

همچنین قانون تغییر درون به‌منزله شرط تغییر بیرون در آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱) نشان می‌دهد که تحقق وعده‌های الهی وابسته به دگرگونی درونی انسان‌هاست.

شهید مطهری ظهور را حلقه نهایی مبارزه حق و باطل می‌داند و بهره‌مندی از آن را مشروط به حضور عملی در جبهه اهل حق می‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۲، ج۲۴، ص. ۴۳۸). آیات وعده الهی (مانند نور: ۵۵؛ قصص: ۵؛ انبیاء: ۱۰۵) نیز نشان می‌دهند که استخلاف مؤمنان، وراثت صالحان و منّت بر مستضعفان با ایمان و عمل صالح پیوند دارد. بدین‌سان، انتظار نه عافیت‌طلبی، بلکه التزام ایمانی و اجتماعی می‌آفریند (مطهری، ۱۳۷۲: ج۲۴، صص. ۴۳۸- ۴۳۹).

در منطق قرآن و روایات، انتظار فرج نه حالت انفعالی، بلکه عالی‌ترین شکل امید دینی و ضدّ یأس است. مؤمن در برابر دشواری‌های تاریخی هرگز تسلیم بیهوده‌گرایی نمی‌شود (مطهری، ۱۳۷۲: ج۲۴، صص.۴۰۶). معنای حقیقی انتظار، آمادگی برای همراهی با امام، مجاهده و حتی شهادت در مسیر اصلاح است، نه چشم‌داشت به دخالتِ «دستی از غیب» که همه‌چیز را بی‌تکلیف انسان سامان دهد (مطهری، ۱۳۷۲، ج۲۳، صص. ۵۹۷- ۵۹۸).

شهید مطهری رحمه‌الله دو گونه انتظار را از هم تفکیک می‌کند:

> انتظارِ سازنده (فعال): تعهدآور، نیروآفرین و عبادت‌محور؛ موتور تحرک فردی و اجتماعی برای اصلاح و زمینه‌سازی ظهور (مطهری، ۱۳۷۲: ج۲۴، صص. ۴۰۶- ۴۰۷).

انتظارِ ویرانگر (منفعل): بازدارنده و فلج‌کننده که بر این توهّم استوار است که باید فساد فراگیر شود تا «انفجار مقدّس» رخ دهد. نتیجه چنین تفکری تعطیلی حدود الهی و بی‌تفاوتی نسبت به اصلاح است. شهید مطهری این قرائت را صریحاً خلاف موازین اسلامی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۲: ج۲۴، صص. ۴۳۶- ۴۳۷).

مؤلفه‌ها و لوازم انتظار فعال

زمینه‌سازی مستمر: پیش از قیام موعود، قیام‌های اهل حق و شکل‌گیری گروه زُبده رخ می‌دهد؛ این حرکت‌ها حاصل تربیت ایمانی و اجتماعی طولانی‌اند، نه پدیده‌هایی تصادفی (مطهری، ۱۳۷۲: ج۲۴، صص. ۴۳۹- ۴۴۰).

ردّ نظریه «فساد برای تعجیل»: تئوریزه کردن گناه و تباهی به‌عنوان مقدمه ظهور، برداشتی مردود است؛ زیرا هدف، وسیله نامشروع را مشروع نمی‌کند و چنین تفسیری به اباحه‌گری می‌انجامد (مطهری، ۱۳۷۲، ج۲۴، صص. ۴۳۶- ۴۳۷).

اصلاح‌طلبی مؤمنانه: انتظار حقیقی یعنی نفی وضع ناعادلانه موجود و حرکت به سوی وضع مطلوب الهی؛ در رکاب امام بودن یعنی مسئولیت‌پذیری اخلاقی و سیاسی، نه انزوا و دعاگونگی (مطهری، ۱۳۷۲، ج۲۳، صص. ۵۹۷- ۵۹۸؛ ج۲۴، صص. ۴۳۸- ۴۳۹).

بدین‌سان، در نگاه شهید مطهری، انتظارِ حقیقی استمرار مسئولیت تاریخی مؤمنان در مسیر تحقق وعده‌های الهی است. این انتظار، هنگامی عبادت شمرده می‌شود که

سازنده، تعهدآور و تحرک‌بخش باشد؛ انتظاری که در بستر سنّت‌های الهی معنا می‌یابد و «فرج» را نتیجه ایمان و عمل صالح می‌داند، نه رویدادی دفعی و بی‌علت.

بر این اساس، در این نگرش، «فرج» نه حادثه‌ای معجزه‌وار و بیرون از مدار تکلیف، بلکه نتیجه طبیعیِ جریان سنّت‌های الهی در تاریخ است. تدبیر الهی بر پایه‌ی قوانینی استوار است که بر رفتار انسان‌ها حاکم‌اند و تحقق وعده‌های الهی را در گرو ایمان، عمل صالح، صبر و جهاد آنان قرار می‌دهند. گشایش نهایی اهل ایمان نیز در امتداد همین سنّت‌های مشروط و مقید معنا می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۴۰۱ق، صص. ۴۷۰- ۵۰۲؛ زیدان، ۱۴۱۳ق، صص. ۲۱- ۴۵). این همان وعده‌ای است که قرآن در آیات «استخلاف»، «تمکین» و «وراثت زمین» تضمین کرده است: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (أنبیاء: ۱۰۵).

به تعبیر شهید صدر، این چشم‌انداز، به‌لحاظ انسان‌شناختی، بر ایده‌آل‌گزینی تأکید دارد: انسان ناگزیر از برگزیدن ایده‌آلی است که نیروهای درونی و جهتِ تاریخِ او را سامان می‌دهد. هرچه این ایده‌آل الهی‌تر باشد، حرکتِ فرد و جامعه به غایتِ آفرینش نزدیک‌تر می‌شود. ازاین‌رو، انتظار فرج تکیه بر والاترین ایده‌آل - عدالتِ مطلق و ظهورِ اراده الهی در تاریخ ـ و جهت‌دهنده کنشِ دینی ـ اجتماعی است (صدر، ۱۳۸۱، صص.۱۴۹- ۱۵۳). بدین‌معنا، «امید» در امامیه امیدِ وعده‌محور است: از خدا آغاز می‌شود، به عملِ انسان پیوند می‌خورد و در تاریخ به فعلیت می‌رسد؛ نه امیدی که از درونِ تاریخ به‌سوی خدا صعود کند و در خطرِ فروکاست به پروژه انسانی بیفتد (مقایسه کنید با Moltmann, 1967: 16; 1974: 128–130).

براساس روایات، انتظار صورت «کنشِ خدامحور» می‌یابد، نه انفعال. امام باقر علیه‌السلام در تفسیرِ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا﴾ (آل‌عمران: ۲۰۰) می‌فرماید: «اصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمُ الْمُنْتَظَرِ»؛ بدین‌سان «رِباط» یعنی مرزداریِ ایمان و پیوندِ مستمر با امام در عصر غیبت، نه بی‌طرفی و رخوت (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۷). در روایتِ دیگر، انتظار هم‌ردیفِ توحید، نبوت، ولایت، ورع و اجتهاد، شرطِ قبولیِ عمل شمرده شده و معیارِ یاریِ قائم علیه‌السلام چنین تعیین می‌شود: «فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ...»؛ حتی اگر منتظر پیش از ظهور از دنیا برود، در اجرِ درک‌کنندگانِ ظهور شریک است، زیرا نیت و سلوکِ او در جبهه حق است. (نعمانی،

۱۳۹۷ق، ص. ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۲، ص. ۱۴۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵ق، ج۵، ص. ۱۵۹)

این منطق، انتظار را به «سبکِ زیست» بدل می‌کند: پیوند با امام، صبر و مصابره، ورع و اخلاق نیک، و آماده‌سازیِ دائمی برای عدالتِ موعود (مکارم شیرازی،۱۳۷۱، ج۷، ص. ۳۸۱- ۳۸۹). انتظار همچنین آزمون و تربیت تاریخی است. روایتِ امام سجاد علیه‌السلام از دو غیبت می‌گوید: در غیبت دوم، بسیاری از باورمندان بازمی‌گردند و تنها کسانی می‌مانند که «یقینشان قوی، معرفتشان صحیح، و نسبت به قضای اهل‌بیت علیهم‌السلام تنگی در دل نیابند و تسلیم باشند»؛ بدین‌قرار، پایداریِ مؤمن در کشاکشِ طول غیبت، جهادِ بی‌سلاحِ آگاهانه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۱، ص. ۱۳۵). همین منطق در روایتِ امام حسین علیه‌السلام صریح می‌شود: «... لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخَرُون...َ أَمَا إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله»؛ پس انتظار، میدانِ صبر، استقامت و جهادِ اخلاقی ـ اجتماعی است، نه تعلیقِ تکلیف (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۱، ص. ۳۱۷).

شاخص‌های هویتیِ منتظران در روایتِ امام موسی کاظم علیه‌السلام نیز روشن است: «... طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالاتِنَا وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُم...»؛ بدین‌سان انتظار، هم ثبات بر ولایت است و هم مرزبندیِ اعتقادی ـ اخلاقی با دشمنانِ حق، و پاداشِ آن هم‌درجه بودن با اهل‌بیت علیهم‌السلام در قیامت است. (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۳۶۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج۲: ص. ۲۴۰)

از این منظومه، تمایزِ مبنایی با الهیاتِ امیدِ مولتمان آشکار است: هر دو دستگاه «آینده‌محور» و «ضدّ انفعال»اند، اما جهتِ حرکت و فاعلِ تحقق متفاوت است. در الهیاتِ امیدِ مولتمان، امید غالباً از پائین به بالا صورت‌بندی می‌شود - «پراکسیسِ امید» که نشانه‌های ملکوت را از دل تاریخ برمی‌آورد و در معرضِ خطرِ «سکولاریزاسیونِ امید» قرار می‌گیرد (Moltmann, 1967: 16؛ ۲۰۱۲: ۳۴؛ نقدِ Bauckham, 1995: 78–81). در الهیاتِ انتظارِ شیعی، امید از بالا به پائین است: وعده الهی فاعل و محرّکِ تاریخ است و انسان، همکارِ الهی در مدارِ سننِ خدا؛ «رباط با امام»، «ورع و محاسنِ اخلاق»، «ثبات بر ولایت و برائت از طاغوت »، و «صبرِ مجاهدانه» سازوکارهای تحققِ وعده‌اند، نه جایگزینِ آن (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۷؛ ص. ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۱، ص. ۱۳۵؛ ج۵۲، ص. ۱۴۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵ق، ج۵، ص. ۱۵۹؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۱، ص. ۳۱۷؛ ج۲، ص.

۳۶۱). بنابراین، اگر در مدلِ مولتمان خطرِ فروکاستِ نجات به پروژه انسانی پررنگ می‌شود، در الگوی شیعی خطرِ انفعال تنها زمانی پدید می‌آید که مفهومِ انتظار مسخ یا تحریف شود؛ وگرنه انتظارِ راستین، سلوکِ فعالِ خدامحور است که از خدا آغاز می‌شود و در کنشِ اخلاقی - اجتماعیِ مؤمن به ثمر می‌نشیند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۷، صص. ۳۸۱- ۳۸۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج۱۶، صص. ۲۹، ۱۱۴)

در منظومه نظام تفکر شیعی، «انتظار» تجلّی عینی امید توحیدی است: ایستادن در جبهه حق و آماده‌سازی جامعه برای عدالت موعود، نه تعلیق مسئولیت به آینده و نه تقدیس فساد برای تعجیل ظهور. بدین‌سان، انتظار شیعی در غایت و فرایند، خدامحور است؛ اما انسان منتظر را دقیقاً در مدار وظیفه، تلاش و کنش اصلاح‌گرانه قرار می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۷: ج۲۴، صص.۴۰۶- ۴۰۷؛ صص. ۴۳۸- ۴۴۰)

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً﴾ (معارج: ۶- ۷) بیان می‌کند که یقین به نزدیکی وعده الهی، صبر بر سختی‌ها را آسان و روح پایداری را در انسان زنده می‌سازد؛ این یقین، مؤمن را از جزع و یأس و انفعال بازمی‌دارد و او را به حرکت فعال در مسیر تحقق وعده خداوند فرا می‌خواند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۲۰، ص. ۹)

بنابراین در سنت امامیه، انتظار نه صرفاً یک حالت درونی، بلکه سبک زیست مؤمنانه است که در تعهد اجتماعی جلوه می‌یابد. روایت مشهور «مَن سَرَّهُ أن يَكونَ مِن أصحابِ القائم فليَنتظر، وليَعملْ بالوَرَعِ ومحاسنِ الأخلاق» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۰۰) نسبت میان انتظار، ورع و اخلاق را روشن می‌سازد. به‌موجب منطق قرآن نیز وعده استخلاف همواره با «ایمان و عمل صالح» پیوند دارد (نور: ۵۵). از این‌رو، انتظار دارای سه کارکرد هم‌زمان است:

۱. معرفت‌شناختی: ایمان به وعده الهی؛
۲. اخلاقی: تهذیب نفس و آمادگی معنوی؛
۳. اجتماعی ـ تاریخی: مشارکت در اصلاح و زمینه‌سازی ظهور.

مقایسه تطبیقی و انتقادی الهیات امید مولتمان و الهیات انتظار شیعی

هر دو نظام فکری، الهیاتی ناظر به آینده‌اند و در پاسخ به بحران رنج و بی‌عدالتی تاریخی شکل گرفته‌اند. هر دو، ایمان را از حالت احساسیِ منفعل به نیرویی فعال و

تاریخ‌ساز تبدیل می‌کنند؛ با این حال، در مبنا، جهت حرکت، و الگوی فاعلیت تاریخی، تفاوتی بنیادین دارند: مولتمان از «تجربه تاریخیِ رستاخیز» آغاز می‌کند، در حالی‌که الهیات انتظار شیعی بر «وعده الهی و استمرار هدایت» تکیه دارد.

این دو نظام را می‌توان در چهار محور اساسی مقایسه کرد:

۱. مبنای معرفت‌شناختی

در الهیات امید مولتمان، امید ساختار وجودی ایمان است؛ یعنی ایمان از آینده خدا معنا می‌گیرد و اکنون را دگرگون می‌سازد (Moltmann, 1967, p. 16). این نگاه متأثر از «اصل امید» بلوخ است که آفرینش حقیقی را در پایان می‌نشاند (Bloch, 1959, Vol. 1, p. 137). در الهیات انتظار شیعی، معرفت به آینده از جنس تجربه تاریخی نیست بلکه بر نصوص وحیانی و وعده‌های قطعی الهی استوار است ـ نظیر استخلاف، وراثت صالحان و نجات مستضعفان (قصص: ۵؛ نور: ۵۵؛ أنبیاء: ۱۰۵) ـ که به‌صورت نظام‌مند تبیین شده است.

نتیجه: هر دو نگاه آینده‌محورند، اما مولتمان تجربه‌محور و تاریخ‌گراست، در حالی‌که انتظار شیعی وعده‌محور و وحی‌گرا است.

۲. فاعلیت تاریخی: نسبت خدا و انسان

مولتمان در آثار خود، به‌ویژه در The Crucified God، از «خدای در رنج» سخن می‌گوید؛ خدایی که در تاریخ حاضر است و انسان را به مشارکت فعال در آمدنِ ملکوت فرامی‌خواند (Moltmann, 1974, p. 243; 2012, p. 34). از نگاه او، امید همان مشارکت خلاق انسان در تحقق آینده خداست.

در الهیات انتظار شیعی، در عین پذیرش نقش انسان در اصلاح و زمینه‌سازی، فاعلیت نهایی از آنِ خداست. حرکت تاریخ در مدار «سنن الهی» تفسیر می‌شود و انسان فاعلِ ثانوی است که در جهت تحقق وعده الهی عمل می‌کند. آموزه «منتظر عامل» در متون روایی نیز همین معنا را بازتاب می‌دهد.

نتیجه: مولتمان بر انسان‌محوریِ کارکردی تأکید دارد؛ در مقابل، الهیات انتظار شیعی بر خدامحوری در چارچوب سنت‌های الهی استوار است.

۳. وعده، عهد و فرجام

در اندیشه مولتمان، اسخاتون به‌معنای «آمدن خدا» است؛ آینده او در اکنونِ تاریخ وارد می‌شود.(Moltmann, 1996, p. 23) منتقدان، از جمله باکهم، هشدار داده‌اند که چنین تلقی‌ای ممکن است مرز میان «عطا و وعده» و «پروژه انسانی» را کم‌رنگ کند (Bauckham, 1995, pp. 78–81) در الهیات امامیه، وعده الهی قطعی، تخلف‌ناپذیر و فوق‌تاریخی است که در بستر تاریخ تحقق می‌یابد. استمرار حجت و وعده ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تضمینگر این تداوم است.

نتیجه: مولتمان وعده را در اکنونِ تاریخ می‌بیند و بر تحقق تدریجی آن در پراکسیس انسانی تکیه دارد؛ در حالی‌که انتظار شیعی وعده را متعالی، الهی و در عین حال تاریخی می‌فهمد ـ تحقق آن در تاریخ ممکن است، اما منشأ آن از فراتاریخ است.

۴. کنش اخلاقی و غایت

در الهیات امید، امید مساوی است با «پیش‌زیستنِ آینده» از طریق عمل اجتماعی در مسیر عدالت، آزادی و صلح.(Moltmann, 2012, pp. 34, 52, 74–78) ایمان، نیرویی برای تغییر ساختارهای ناعادلانه تاریخ است.

در مقابل، در الهیات انتظار شیعی، کنش اخلاقی در مدار وعده تعریف می‌شود: ورع، تهذیب نفس، اصلاح اجتماعی و آمادگی برای ظهور. بدین‌سان، انتظار نه انفعال، بلکه حرکت مسئولانه و خدامحور است.

نتیجه: هر دو رویکرد با سکون و بی‌عملی مخالف‌اند، اما جهت کنش متفاوت است: در مولتمان، کنش برای تحقق ملکوت در تاریخ انسانی است؛ در انتظار شیعی، کنش برای آماده‌سازی تحقق وعده الهی در تاریخ.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که مسئله «امید به آینده» در هر دو سنتِ الهیات امیدِ یورگن مولتمان و الهیات انتظارِ شیعی، پاسخی الهیاتی به بحران معنا، رنج و سرگردانی انسان در تاریخ است. هر دو، ایمان را از سطح تجربه‌ای ذهنی و فردی به نیرویی تاریخ‌ساز و تمدنی ارتقا می‌دهند و می‌کوشند نسبت ایمان با تاریخ و عمل اجتماعی را بازتعریف کنند. با این حال، این اشتراک ظاهری، دو دستگاه الهیاتی با مبانی و جهت‌های کاملاً

متفاوت را در خود دارد؛ تفاوتی که در سه ساحتِ اصلیِ منشأ امید، فاعلیت تاریخی و غایت نجات، بنیادین و تعیین‌کننده است.

در الهیات امیدِ مولتمان، امید، ساختار وجودی ایمان و نیرویی درون‌تاریخی برای دگرگونی واقعیت است. مولتمان با الهام از فلسفه تاریخ بلوخ، آینده را نه امری بیرون از تاریخ بلکه بُعد ناتمامِ آن می‌داند و ایمان را فراخوان به مشارکت در تحقق «آینده خدا» از درون تاریخ می‌خواند. بدین‌سان، امید، در دستگاه او، جهت حرکت از پائین به بالا دارد: از انسان و رنج تاریخی او به‌سوی خدا و ملکوت. این نگرش هرچند ایمان را فعال، اجتماعی و عدالت‌محور می‌کند، اما هم‌زمان خطر فروکاست وعده الهی به پروژه‌ای اخلاقی یا تاریخی را نیز در خود دارد. مولتمان الهیات را به میدان عمل و عدالت فرا می‌خواند، ولی مرز میان «پروژه الهی» و «پروژه انسانی» در منظومه او باریک می‌شود و از این‌رو برخی منتقدان، آن را فرجام‌شناسی انسان‌محور می‌دانند که در معرض سکولاریزاسیون امید قرار دارد.

در مقابل، در الهیات انتظار شیعی، امید در مدار «وعده الهی» تعریف می‌شود. سرچشمه آن وحی است و افق آن تحقق عدالت جهانی به اراده خداوند. این امید از بالا به پائین جریان می‌یابد: وعده الهی، نیروی محرکه تاریخ است و انسان در چارچوب سنن الهی مأمور به زمینه‌سازی، اصلاح و مجاهده است. انتظار، در این معنا، نه حالت انفعالی بلکه سلوک خدامحور و تکلیف‌مداری است که با ایمان، عمل صالح و ورع پیوند می‌خورد. در منطق قرآن و روایات، فرج نه رخدادی دفعی و بیرون از مدار علّی، بلکه ثمره طبیعیِ جریان سنت‌های الهی در تاریخ است. از این‌رو، انتظار حقیقی، انتظارِ فعال و آگاهانه است؛ عبادتی که در آن انسان، فاعل ثانویِ طرح الهی می‌شود، بی‌آنکه جای خدا را بگیرد.

تحلیل تطبیقیِ این دو نظام نشان داد که هرچند هر دو بر نفی یأس و ضرورت کنش تاریخی تأکید دارند، اما در جهت و خاستگاه این کنش اختلاف بنیادین دارند. مولتمان از تجربه رستاخیز مسیح آغاز می‌کند و امید را به کنش اجتماعیِ عدالت‌خواهانه ترجمه می‌کند؛ در حالی‌که الهیات شیعی از وعده استخلاف و وراثت صالحان می‌آغازد و کنش را در مدار ایمان و تکلیف الهی معنا می‌کند. بنابراین، در الگوی مولتمان، تاریخ بستر نجات است و خدا در رنج انسان حاضر می‌شود؛ در الگوی

شیعی، تاریخ صحنه تحقق وعده الهی است و انسان در رباط با امام و عمل صالح، عامل و زمینه‌سازِ تحقق وعده می‌شود.

دست‌آورد اصلی این پژوهش در آن است که نشان می‌دهد چگونه دو نوع فرجام‌شناسی متفاوت ـ «امید تاریخی» در الهیات مولتمان و «امید وعده‌محور» در الهیات انتظار شیعی ـ دو صورت از نسبت ایمان، تاریخ و نجات را عرضه می‌کنند. نخست، تفاوت در مبنا: یکی بر تجربه تاریخی رستاخیز تکیه دارد، دیگری بر وحی و سنت‌های الهی. دوم، تفاوت در فاعلیت: در اولی انسان شریک خلاق خدا در تاریخ است، در دومی خدا فاعل نهایی و انسان مجری اراده او در مدار وعده است. سوم، تفاوت در غایت: در مولتمان، نجات به صورت تحقق ملکوت در تاریخ انسانی است؛ در شیعه، نجات به صورت تحقق عدالت جهانی به اراده الهی و در پیوند با ظهور امام موعود تبیین می‌شود.

بر پایه این تحلیل، می‌توان گفت هر دو نظام الهیاتی در برابر دو افراط متقابل هشدار می‌دهند: الهیات امید در برابر بی‌عملیِ ایمانی، و الهیات انتظار در برابر بی‌خداییِ امید تاریخی. اولی از خطرِ انسان‌محوریِ افراطی و سکولاریزاسیونِ ایمان رنج می‌برد و دومی از خطرِ تحریف انتظار به انفعال و تقدیرگرایی منفعلانه. بازگشت به منطق درونیِ هر دو سنت نشان می‌دهد که راه میانه در پیوندِ «مسئولیت انسانی» با «خدامحوریِ وعده» نهفته است؛ یعنی امیدی که از خدا آغاز می‌شود، در انسان تداوم می‌یابد و در تاریخ به ثمر می‌نشیند.

در نهایت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گفت‌وگوی میان الهیات امیدِ مولتمان و الهیات انتظارِ شیعی، نه از سرِ هم‌گرایی، بلکه از منظرِ تبیین تفاوت‌های مبنایی در تلقی از خدا، تاریخ و نجات اهمیت دارد.

در منظومه‌ی مولتمان، امید از درون تاریخ انسانی می‌جوشد و غایت آن در مشارکت انسان در تحقق ملکوت معنا می‌یابد؛ در حالی که در الهیات شیعی، تاریخ صحنه‌ی فعلیت وعده‌ی الهی است و فاعلیت نهایی از آنِ خداوند است.

فاصله‌ی میان این دو نگرش، فاصله‌ی میان امید تاریخیِ انسان‌محور و امید الهیِ وعده‌محور است؛ دو چشم‌اندازی که نه قابل تلفیق، بلکه قابل مقایسه و نقدند.

الهیات انتظار، با تأکید بر خدامحوری، یقین به وعده و استمرار هدایت الهی در تاریخ، تصویری جامع‌تر از رابطه‌ی ایمان، عمل و آینده عرضه می‌کند؛ تصویری که امید

را نه از تاریخ، بلکه از وعده‌ی خداوند آغاز می‌کند و آن را در مدار عمل صالح و انتظار فعال تفسیر می‌نماید.

منابع

قرآن کریم

- ابن‌بابویه، محمدبن علی. (۱۳۹۵ق). ***کمال الدّین و تمام النعمة***. تحقیق علی‌اکبر غفّاری. تهران: اسلامیه.
- آشوری، داریوش. (۱۳۷۵). ***فرهنگ علوم انسانی***، نشر مرکز.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). ***امام مهدی موجود موعود***. چاپ سوم. قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۲۵ق). ***إثباتُ الهداةِ بالنصوصِ و المعجزات***. بیروت: أعلمی.
- زیدان، عبدالکریم. (۱۴۱۳ق). ***السنن الإلهیة في الأمم و الجماعات و الأفراد في الشریعة الإسلامیة***. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۸۱). ***سنت‌های تاریخ در قرآن***. ترجمه و تحقیق سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی، چاپ سوم. تهران: تفاهم.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). ***إعلامُ الوری بأعلامِ الهدی***. تحقیق مؤسسة آل‌البیت. قم: مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). ***بحارالأنوار***. چاپ دوم. بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۴۰۱). ***جامعه و تاریخ از نگاه قرآن***. چاپ پنجم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). ***مجموعه آثار***. چاپ هشتم. قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۱). ***تفسیر نمونه***. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). ***الغیبة***. تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.

- Bauckham, R. (1995). The theology of Jürgen Moltmann. Edinburgh: T&T Clark.
- Bloch, E. (1986). The principle of hope (Vol. 1, N. Plaice, S. Plaice, & P. Knight, Trans.). Cambridge, MA: MIT Press. (Original work published 1959)
- Cullmann, O. (1964). Christ and time: The primitive Christian conception of time and history (Rev. ed.; F. V. Filson, Trans.). Philadelphia, PA: Westminster Press.
- Floyd, A. (2019). A critical and comparative analysis of Jürgen Moltmann's and Gordon Kaufman's environmental theologies (Doctoral dissertation). University of Manchester, Manchester, UK.
- Meeks, M. D. (1974). Origins of the Theology of Hope. Philadelphia, PA: Fortress Press.
- Mladenovska-Tešija, J. (2014). Crucified as a necessity: The relevance of Moltmann's theology for evangelical believers and their social commitment. Kairos: Evangelical Journal of Theology, 8(1), 7–24.
- Moltmann, J. (1967). Theology of hope: On the ground and the implications of a Christian eschatology (J. W. Leitch, Trans.). New York, NY: Harper & Row. (Original work published 1964)
- Moltmann, J. (1974). The crucified God: The cross of Christ as the foundation and criticism of Christian theology (R. A. Wilson & J. Bowden, Trans.). London: SCM Press. (Original work published 1972)
- Moltmann, J. (1996). The coming of God: Christian eschatology (M. Kohl, Trans.). Minneapolis, MN: Fortress Press. (Original work published 1995)
- Moltmann, J. (2012). Ethics of hope (M. Kohl, Trans.). Minneapolis, MN: Fortress Press. (Original work published 2010)
- Neal, R. A. (2006). Theology as hope: On the ground and implications of Jürgen Moltmann's doctrine of hope (Doctoral dissertation). University of Edinburgh, Scotland.
- Neal, R. A. (2009). Theology as hope: On the ground and implications of Jürgen Moltmann's doctrine of hope. Eugene, OR: Cascade Books.
- Pannenberg, W. (1998). Systematic theology (Vol. 3, G. W. Bromiley, Trans.). Grand Rapids, MI: Eerdmans.